



اپرای عروسکی مولوی دوباره به صحنه می آید

اپرای عروسکی مولوی به نویسندگی، طراحی و کارگردانی بهروز غریبپور پس از پنج سال دوباره در تالار فردوسی روی صحنه می‌رود. این اپرا سومین رپرتوار تولیدی گروه تئاتر عروسکی آران به طراحی و کارگردانی بهروز غریبپور است که برای اولین بار در بهمن‌ماه سال ۱۳۸۸ و آخرین‌بار در سال ۱۳۹۸ روی صحنه تالار فردوسی اجرا شد. این اپرا همچنین در بخش مهمان بین الملل در بیست‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، شهر شیراز و کشورهای چین ایتالیا و امارات متحده عربی روی صحنه رفته است. آهنگساز این اپرا بهزاد عبدی، رهبر ارکستر ولادیمیر سیرنکو و اجرای موسیقی با ارکستر ناسیونال اکراین است. همچنین آواگران این اپرا همایون شجریان در نقش شمس، محمد معتمدی در نقش مولوی و سایر آواگران نیز محمدرضا صادقی، علی خدایی، حسین علیشاپور، ملیحه‌مرادی، مصطفی محمودی، مهدی امامی، عامر شادمان، مهدی جاور، سجاد پورقناد، زنده‌یاد اسحاق انور، کیوان فرزین، احسان نصیری، سارا رضازاده، سولماز بدری، فرهاد اسدی، علی نجفی و علی یاری هستند.



تصمیم برای اکران سفره ایرانی

کیانوش عیاری به دنبال گرفتن پروانه نمایش فیلم «سفره ایرانی» و اکران آن پس از گذشت بیش از دو دهه است. این کارگردان سینما در گفت‌وگویی با ایسنا گفته است: فیلم «سفره ایرانی» را بعد از ۲۳ سال تمام کردم و در تداوم دوباره، حدود ۲۵ دقیقه از آن کم شده است. از آنجا که بنیاد سینمایی فارابی هم در فیلم مشارکت داشته، قصد داریم برای دریافت پروانه نمایش فیلم اقدام کنیم تا به اکران درآید. عیاری درباره پروسه طولانی تمام شدن «سفره ایرانی» گفت: ساخت فیلم را سال ۱۳۷۹ شروع کردم که تا سال ۸۰ ادامه داشت. بعد از آن سریال «روزگار قریب» را کلید زد و فکر می‌کردم در مدت دو، سه سال تمام می‌شود اما به بیش از شش سال رسید. این کارگردان پیش‌تر گفته بود که سکانس پایانی «سفره ایرانی» را همزمان با سریال «۸۷ متر» فیلمبرداری کرده است. داستان این فیلم درباره یک اسکانس هزار تومانی تقلبی است که دست به‌دست می‌شود.



۲ فیلم «زدان دریایی کاراییب» در راه است

تولید فیلم‌های جدید «زدان دریایی کاراییب» سال آینده بدون حضور جانی دپ شروع می‌شود. به نقل از مهر، در حالی که انتظار نمی‌رود جانی دپ برای بازی در فیلم جدید «زدان دریایی کاراییب» بازگردد، گفته شده تولید دو فیلم جدید از این مجموعه برای سال آینده در برنامه‌ها جای گرفته است. اوایل امسال، جری بروکهایمر تهیه‌کننده «زدان دریایی» تأیید کرده بود که این مجموعه با پیش‌ازیک فیلم بازمی‌گردد. او گفت: دو فیلم متفاوت در نظر داریم و امیدواریم بتوانیم هر دوی آن‌ها را بسازیم و فکر می‌کنم دیزنی موافق است که یک فیلم با بازی مارگورابی ساخته شود. آنچه شایعه شده این است که یکی از فیلم‌ها یک بازسازی با بازیگرانی کاملاً جدید است و فیلم دیگر فیلمی زن‌محور با پیوند با فیلم‌های قبلی است و مارگورابی در نقش اصلی بازی می‌کند. یکی از این دو پروژه به احتمال زیاد بر مبنای فیلمنامه‌ای است که ابتدا توسط کریگ مازین، خالق «آخرین بازمانده ما» و تد الیوت، نویسنده اصلی «زدان دریایی» نوشته شد و بعداً جف ناتانسون آن را بازنویسی کرد.



گفت‌وگو با الکساندر دی لا پاتلیر و متیو دلپورته درباره روند شکل‌گیری «کنت مونت کریستو»
انتقام هرگز قدیمی نمی‌شود

روایت دلپورته و دی لا پاتلیر کاملاً به اصل داستان نزدیک است و فیلمنامه‌نویسان برای ارائه‌ی یک داستان مفصل انتقام‌محور وقت صرف می‌کنند. دانتس به آرامی از یک آدم خوش‌بین با چهره‌ای با طراوت به مردی تودار و تلخ تبدیل می‌شود؛ وقتی شروع به اجرای نقشه‌اش می‌کند، بی‌رحم می‌شود افراد بی‌گناه را به بازی می‌گیرد و آشفتنگی عاطفی را در میان شخصیت‌ها تشدید می‌کند. در تمام این مدت، او ثروت خود را به رخ دشمنانش می‌کشد تا با حرص و طمع جمعی‌شان بازی کند. در مورد سه شرور، عدم پیشیمانی و شرم عمومی آن‌ها درحالی‌که سعی می‌کنند جنایات گذشته خود را از طریق جایگاهی که دارند و فساد پاک کنند، آن‌ها را به عنوان شخصیت‌های واقعاً نفرت‌انگیز نشان می‌دهند. ویلفور یک آدم به خصوص وحشتناک است، فیلمنامه‌نویسان سعی می‌کنند ذهن فریبده‌ی او را پنهان کنند. این فیلم که در جشنواره کن امسال به نمایش درآمد، پیش از این جایزه‌ی بهترین فیلم جشنواره‌ی ژانر فانتزی کانادا را دریافت کرده بود. این دو کارگردان که به همراه هم فیلمنامه‌ی کنت مونت کریستو را نوشته‌اند در گفت‌وگویی با سی‌ان‌سی درباره‌ی روند شکل‌گیری فیلمنامه، همچنین فیلم‌شان صحبت کرده‌اند.



ترجمه: زینب کاظم‌خواه

خبرنگار گروه فرهنگ

دوست داشتید که اقتباس از کنت مونت کریستو چطور در بیاید؟
متیو دلپورته: می‌توانیم صادقانه بگوییم که این رمان، کتاب بالینی ما بود. در واقع الکساندر وقت زیادی صرف کرد و سریال اقتباسی که پدرش دنیس دی لا پاتلیر در ۱۹۸۰ با ژاک وبر در نقش اصلی ساخته بود تماشا کرد.

الکساندر دی لا پاتلیر: فکر می‌کنم که در تمام پروژه‌هایمان بدون استثنا، در یک زمانی «کنت مونت کریستو» در زمان نوشتن به صحبت‌هایمان راه یافت زیرا آن شامل ژانرهای زیادی است به نظر من یک منبع اصیل است. این اثر یک تراژدی، عاشقانه، یک داستان رمانتیک عالی در خود دارد. این را سر صحنه‌ی فیلمبرداری متوجه شدیم. ما از صحنه‌های داخلی به سکانس‌های حماسی، از صحنه‌های ماجراجویی به صحنه‌های تاریک و تلخ فیلم رفتیم. اما صادقانه بگوییم، آوردن آن روی پرده‌ی سینما هرگز به ذهن‌مان خطور نکرده بود.

دلپورته: به طور مثال برخلاف «سه تفنگدار» ما حتی به این فکر کردیم که آن را روی صحنه‌ی تئاتر ببریم از یک نمایشنامه‌ی آرژانتینی شروع شد، تا این که دیمیتری رسام (تهیه‌کننده) و مارتین بوریولون پیشنهاد اقتباس آن را در سینما دادند.

دی لا پاتلیر: طی هشت ماه فیلمبرداری، جایی که ما تقریباً هر روز متن را اصلاح می‌کردیم، یک ماجراجویی واقعی داشتیم. ما دقیقاً می‌دانستیم که چه می‌خواهیم بکنیم. بلافاصله، پته (شرکت فیلم‌سازی) و دیمیتری رسام از ما پرسیدند که می‌خواهیم در آینده چه کار کنیم، سپس هر دو یکصدا و بدون فکر پاسخ دادیم: «کنت مونت کریستو». انگار که ناگهان رؤیایی را شکل می‌دادیم که نمایان شده بود و آن‌ها بلافاصله گفتند بله!

کار نوشتن چطور شروع شد؟

دی لا پاتلیر: ما صراحتاً با دیمیتری رسام صحبت کردیم. اما قبل از نوشتن حتی یک

یک بتمن فرانسوی

فیلمنامه‌نویس فیلم «سه تفنگدار»، یک جراحی ضروری و در عین حال مؤثر و حتی بسیار ظریف را روی رمان انجام دادند. به جای روایت گسترده و پراکنده‌ی دوما از شخصیت‌های این رمان حجیم، بر دو شخصیت اصلی تمرکز می‌کنند: آندره (جولین دی سنت ژان) و هایدی، شاهزاده خانم زیبای عثمانی. توطئه‌های عاشقانه‌ی آنها با هدف حمله‌ی به خائن کنت است. با این حال، سرعت سریع فیلم در طول سه مرحله‌ی آن به این معنی است که مضامین اصلی انتقام در برابر عدالت و عقده خدایی کنت، همچنین مضامین جدید (دوره‌ی رسانه‌های اجتماعی که بر واقعیت پشت نمای ظاهری تأکید می‌کند) تنها به طور جزئی پرداخته شده است.

نتیجه این است که فیلمی سریع از نظر ضرباهنگ و از نظر بصری جذاب را می‌بینیم که مملو از لباس‌های مبدل به سبک «اموریت: غیرممکن»، نقشه‌کشیدن در حیاط‌ها و لحظاتی از اکشن جسورانه است که سه ساعت بدون وقفه طول می‌کشد. این سبک یک تولید معمولی نتفلیکس است که با نماهای پهلادی بزرگ از قلعه‌های مجلل و صحنه‌های پرانرژی شخصیت‌ها هنگام بالا رفتن از پله‌ها را به نمایش می‌گذارد. اگر چه این رویکرد ممکن است فروش را افزایش دهد، اما نمی‌تواند احساسات عمیق‌تر، ذهن‌های کینه‌توز و عناصر گوتیکی را که به کار اصلی دوما وزن بیشتری می‌دهد، به تصویر بکشد.

از نظر بصری، «کنت مونت کریستو» چیزی نفس‌گیر نیست. فیلمبرداری نیکلاس بولدوک به‌ویژه تأثیرگذار است و تضاد

تلاش‌های زیادی - عمدتاً ناموفق - برای اقتباس از داستان انتقامی الکساندر دوما برای فیلم و تلویزیون صورت گرفت است. گرچه مردم همچنان برای اقتباس از این اثر تلاش می‌کنند و این بار پشت تازه‌ترین اقتباس، یک برداشت دونفره از رمان «سه تفنگدار» است. در مقایسه با ژرژ دپاردیو سنگین‌وزن و درشت در مینی‌سریال خوش‌آوازه‌ی ۱۹۹۸، پیر نینی بازیگر اصلی به‌عنوان کنت که دومین نماد فرانسوی بعد از ایوسن لورن در ۲۰۱۴ را بازی کرد، انتخاب کم‌وزنی به نظر می‌رسد. اما سبکی جسمانی و متانت نینی چیزی متمایز را در این فیلم به ارمغان آورد؛ نشانه‌ای از آسیب‌پذیری در زیر قاب‌های متعدد، یک زخم روان‌شناسی مرگبار که هرگز قابل التیام نیست.

در اصل داستان ماندگار دوما هیچ تغییری رخ نمی‌دهد: آدموند دانتس (نینی) جوان بعد از اینکه توسط قاضی ویلفور (لارنت لافینت) و خیانت دوستش پل فرناند (باستین بویولون) که همچنین رقیب او برای به دست آوردن همسر آدموند، مرسدس (آنابیس دموسیته) است، به اتهام بناپارتنی بودن در قلعه‌ای در جزیره‌ای زندانی می‌شود. دانتس که ثروت باورنکردنی‌ای را به ارث می‌برد توسط هم‌بندی‌اش آبه فاریا (پیر فرانچسکو فاوینو) یک دوره‌ی هنرهای نجیب‌زادگی را فرا گرفته و به‌عنوان یک اشراف‌زاده‌ی رموز دوباره در میان جامعه‌ی اعیان پاریس ظاهر می‌شود. اما در پشت عمارت شیک شرقی و رفتارهای بدون نقص او آشفشانی از انتقام می‌جوشد. به

عبارت دیگر او یک بتمن فرانسوی است. کارگردانان متیو دلپورته و الکساندر دی لا پاتلیر،

